

زیبایی‌شناسی برج

برج، بنای بلند و منفرد است. نام آن در زبان فارسی از ریشه «بُرز» به معنای بلند و بالا مشتق شده است. در زبان عربی به برج و در زبان‌های اروپایی به بورگ بدل شده است. در تخصیص واژه برج به بناهای خاص، بلندتر بودن نسبت به پیرامون مهمترین عامل بوده است.

فراوانی نمونه‌های برج در دیوارهای ارگ و قلعه‌های تاریخی به تدریج نام آن را معادل قلعه ساخته است. اروپاییان به قلعه‌هایی که شاهزادگان و فئودال‌ها در آن زندگی می‌کرده‌اند، «بورگ» می‌گفتند و ساکنان آن را «بورژوا»، به معنای قلعه‌نشین (طبقه ثروتمند جامعه)، خطاب می‌کردند.

قدیمی‌ترین کارکرد برج در ایران، همچون نشانه‌ای در میان دشت و کوه، راهنمایی مسیر بوده است. برج «رسکت» در چین خوردگی‌های البرز در ناحیه مازندران با دو کتیبه به خط پهلوی و کوفی، بنایی است که حداقل به قرن پنجم هجری منتسب است. رسکت به معنای «کاسه‌ای شکل» توصیف صورت زمینی است که در آن قرار دارد.

در نام‌گذاری این عنصر منظر دقت کنید؛ «بلندبالای دشت کاسه‌ای شکل». همه خصوصیات این نام به محیط و سرزمین بازمی‌گردد. بلندی آن وصف بنا نسبت به پیرامونش است، که اگرچه کوه است، اما رفعت بنا شاخص است، و دشت مقابل آن دره‌ای است که شکل مقعر آن خاطره مشترک همه رهگذران است.

برج در سرزمین ایران تدریجاً از یک عنصر عملکردی، به عنصر معنایی بدل شد. برج، نقطه مشترک ارتباط ساکنان و مسافران با یکدیگر بود. خاطره مشترک آنها را در ارتباط با مکان به وجود می‌آورد. نقش ارتباطی برج، هرچه بیشتر آن را به عنصر منظر تبدیل کرد. هویت جدید برج موجب شد به عنصری پراهمیت و تدریجاً محترم یا مقدس بدل شود تا آنجا که بسیاری از برج‌ها مدفن بزرگان حکومتی یا دینی شدند.

نقش منظرین برج، زیبایی‌شناسی ویژه آن را به وجود آورد و در معماری سرزمین ایران و قلمروهای فرهنگی آن رسوخ کرد. معماری ایرانی، که مجموعه‌ای از شکل‌ها و حجم‌های متنوع است، در ترکیب احجام خود از عنصری بلند برخوردار شد که شاخص بناست. زیبایی‌شناسی شبح (سیلوئت) معماری ایرانی غالباً با یک نقطه عطف تعریف می‌شود که بلندتر از سایر نقاط بناست و حالتی برج‌گونه، برآمده و مستقل نسبت به اندام‌های جانبی دارد.

زیبایی ناشی از وجود برج در ترکیب معماری، سنتی پایدار در معماری باستان ایران بود که در دوره اسلام نیز تداوم یافت. اگرچه در نخستین نمونه‌های معماری ایران پس از اسلام، مردم‌واری، مقیاس انسانی و سادگی بر فرم و ساخت معماری اثر گذاشت و نمونه‌هایی مانند تاریخانه دامغان را پدید آورد، اما چندی نگذشت که زیبایی‌شناسی دیرین با ظهور چارطاقی و برج در ترکیب معماری احیا شد. این روند آن قدر در ذهن ساکنان سرزمین ایران ریشه‌دار است که اثر آن را در معماری مسیحی قلمرو فرهنگی ایران (ارمنستان و گرجستان) نیز می‌توان دید.

قاب «آیدا آل هاشمی»، فردیت و حضور برج رسکت در منظر طبیعی پیرامون را به عنوان سر، بالا و نقطه عطف آن به زیبایی برای ما روایت کرده است.

سردبیر